

نقدی بر مبحث تشبیه در کتاب علوم و فنون ادبی پایه یازدهم

محمد قاسمی خزینه جدید

سرگروه زبان و ادبیات فارسی شهرستان بناب

دبیر مرکز استعدادهای درخشان علامه طباطبایی شهرستان بناب

چکیده

تشبیه از مباحث مهم علم بلاغت است که تعدادی از آرایه‌های ادبی هم براساس آن شکل گرفته‌اند. نگارنده این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به نقد مبحث تشبیه در کتاب علوم و فنون ادبی (2) پرداخته است. مقایسه مبحث تشبیه در دو کتاب علوم و فنون ادبی (2) و آرایه‌های ادبی نشان‌دهنده بهبود و ارتقای آن از لحاظ شیوه طرح مطالب و محتوای آموزشی آن است. توجه به نقش تجارب و زاویه دید گوینده در تشبیه، تغییر نوع تشبیهات در دگرگونی سبک‌ها، چینش اصولی مطالب، استفاده از اصطلاحات تشبیه گسترده و فشرده و آوردن مثال‌های زیاد از ادبیات معاصر از نقاط قوت مبحث تشبیه در کتاب علوم و فنون ادبی (2) است. امید است کاستی‌های اندکی هم که در نقد مبحث تشبیه به آن‌ها اشاره شده است، به همت مؤلفان رفع شود.

کلیدواژه‌ها: علوم بلاغی، بیان، علوم و فنون ادبی (2)، تشبیه

1. مقدمه

هم‌زمان با تغییر نظام آموزشی، متعلقات آن از جمله کتب درسی هم دچار تغییراتی شد. یکی از این کتب جدید در دوره متوسطه دوم، کتاب علوم و فنون ادبی (1) و (2) است که مباحث تاریخ ادبیات، سبک‌شناسی، موسیقی شعر (وزن و قافیه) و علوم بلاغی (بدیع لفظی و معنوی و بیان) را به صورت

فشرده پوشش می‌دهد. این کتاب با روشی نوین و با رویکردی مهارت‌محور نوشته شده است و از دانش‌آموزان انتظار می‌رود که از آموزه‌های خود در این کتاب در درک زیبایی متون کتب فارسی و تولید متن در کتب نگارش به خوبی استفاده کنند. کتاب علوم و فنون ادبی (2) در ادامه مباحث کتاب علوم و فنون ادبی (1) برای پایه یازدهم در چهار فصل تألیف شده است. هر فصل شامل سه درس است که از میان آن‌ها یک درس به مباحث علم بیان (تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه) اختصاص دارد. درس سوم از فصل اول به مبحث تشبیه اختصاص یافته است که پایه و اساس تعدادی از آرایه‌های مهم دیگر چون استعاره و اسلوب معادله است. تشبیه، «ابتدایی‌ترین لوازم خیال‌انگیزی و هسته و مرکز اغلب خیال‌های شاعرانه» (پورنامداریان، 1374: 181) و مانند کردن ادعایی چیزی به چیز دیگر است (شمیسا، 1376: 67). این آرایه ادبی، اولین تصرف هنرمند در طبیعت است. تخیل هنری شاعر و نویسنده هنرمند با تشبیه اوج می‌گیرد و به خلق تصاویر زیبا و بدیع می‌انجامد؛ تصاویری که با زیبایی‌آفرینی، تجسم‌بخشی، بزرگ‌نمایی و اغراق، ایجاز، خیال‌پردازی و جان‌بخشی همراه است. راز زیبایی تشبیه این است که شاعر در مقایسه اشیا و امور، صفات مشترک و اوصاف همانندی بین آن‌ها می‌یابد و ظرافت‌هایی در آن میان کشف می‌کند که به یاری تشبیه پیوند زیبایی بین آن‌ها برقرار می‌کند و ابعاد و محدوده کلام را گسترش می‌دهد و سخن



را شکوه و اعتلا می‌بخشد (تجلیل، ۱۳۸۵: ۴۸ - ۴۷).

در این مقاله کوتاه، مبحث تشبیه در کتاب علوم و فنون ادبی (۲) با روش توصیفی - تحلیلی به صورت اجمالی نقد می‌شود. این مبحث در بین مباحث علم بلاغت، جایگاه و اهمیت والایی دارد.

۲. تشبیه از کتاب آرایه‌های ادبی تا کتاب علوم و فنون ادبی (۲)

مبحث تشبیه در کتاب آرایه‌های ادبی سوم انسانی در دو درس (دروس هشتم و نهم) در یازده صفحه (۶۰ - ۵۰) ارائه شده بود اما در کتاب علوم و فنون ادبی پایه یازدهم در یک درس (درس سوم) در هشت صفحه (۳۵ - ۲۸) آمده است. در کتاب آرایه‌های ادبی، تشبیه بدین شکل طرح و تشریح شده است که ابتدا چند مثال آمده و در ادامه، با طرح پرسش‌هایی مبحث تشبیه بررسی شده است اما در کتاب علوم و فنون ادبی (۲) بعد از توضیحات هر بخش تشبیه، مثال‌های آن ذکر شده است.

از آنجا که رویکرد آموزشی علوم و فنون ادبی (۲) مهارت‌محور، فعالیت‌بنیاد و مشارکتی است، فراوانی و تنوع مثال‌ها در مقایسه با کتاب آرایه‌های ادبی زیاد است. در کتاب علوم و فنون ادبی (۲) آرایه تشبیه با ۳۸ مثال (۱۸ مثال در داخل درس و ۲۰ مثال در خودارزیابی درس) و در کتاب آرایه‌های ادبی با ۲۶ مثال (۱۰ مثال در داخل درس و ۱۶ مثال در خودآزمایی درس) تبیین شده است. از میان مثال‌های هر دو کتاب، تنها ۸ نمونه یکسان است. در هر دو کتاب، بیشترین مثال‌ها از آن سعدی است که این امر بیانگر اهمیت تشبیه در سبک و اندیشه اوست.

از نکات قابل توجه و شایسته تقدیر در کتاب جدیدالتألیف علوم و فنون ادبی (۲) آوردن مثال‌های فراوان از ادبیات معاصر است. در کتاب آرایه‌های ادبی تنها سه نمونه از ادبیات معاصر (یک مورد از فریدون توللی و دو مورد از شهریار) و در کتاب علوم و فنون ادبی (۲) شانزده نمونه از ادبیات معاصر آمده است. اغلب نمونه‌های ذکر

شده در هر دو کتاب، از آثار منظوم است. از آثار منثور مطرح شده در کتاب آرایه‌های ادبی، چهار نمونه، همه از گلستان سعدی، و در کتاب علوم و فنون ادبی (۲) پنج نمونه، شامل سه نمونه از گلستان و دو نمونه از کشف‌الاسرار و کلیله و دمنه، آمده است.

۳. تشبیه، ثمره تجارب، نوع نگاه و تفکر گوینده

در کتاب علوم و فنون ادبی (۲) (۱۳۹۶: ۲۹) در ذیل توضیحات تشبیه آمده است که «هر تشبیه ریشه در نوع نگاه و تفکر گوینده دارد و آنچه موجب زیبایی تشبیه می‌شود، وجه شباهتی است که شاعر و نویسنده به آن دست یافته است.» این اشاره بسیار ارزشمند و مغتنم است اما جای آن بود که با آوردن مثال‌هایی، این موضوع برای مخاطبان کاملاً روشن می‌شد که نوع نگاه و تفکر گوینده چگونه در تشبیه تأثیرگذار است. می‌توان تصور کرد که مؤلفان کتاب، توضیح این موضوع را به عهده دبیران نهاده‌اند. تشبیه، بیانگر وسعت و زاویه دید شاعر یا نویسنده است و نشان می‌دهد که گوینده چگونه توانسته است، میان اشیا و عناصر به ظاهر بی‌ارتباط، پیوند ایجاد کند. بررسی تشبیهات یک اثر، میزان خلاقیت یا تقلید

نویسنده یا شاعر آن را به خوبی مشخص می‌کند. از میان ارکان تشبیه، مشبه‌به برای پی بردن به نوع نگاه و تفکر گوینده از بقیه ارکان مهم‌تر است. گویندگان خلاق و توانا با تیزبینی و تیزهوشی خاص خود، روابط تازه‌ای بین پدیده‌ها ایجاد می‌کنند که این امر با پیدا کردن مشبه‌به تازه و بدیع امکان‌پذیر است اما مقلدان بی‌هنر با کاربرد مشبه‌به‌های پیشینیان، تشبیهات و تصاویر تکراری خلق می‌کنند.

شاعر در خلق تشبیه تحت تأثیر افکار و اندیشه‌ها، محیط اطراف، تجارب شخصی و احساسات عمیق درونی خویش است. «تشبیه زیبا و اصیل، تشبیهی است که حاصل تجربه خود شاعر باشد» (احمدنژاد، ۱۳۷۲: ۹۴). برای مثال، منوچهری که در خدمت مسعود غزنوی بارها در لشکرکشی‌ها به‌کارگیری فیلان عظیم‌الجثه را دیده بود، برای بیان شدت لرزش زمین در اثر زلزله و قدرت تخریب آن از این تجربه خویش استفاده می‌کند و می‌سراید:

بلرزیدی زمین لرزیدنی سخت
که کوه اندر فتادی زو به گردن
تو گفתי هر زمانی ژنده‌پیلی
بلرزاند ز رنج پشگان، تن

شیوا/ ارسطویی هم که به‌عنوان یک زن، روزانه زیاد با کارهای منزل سروکار دارد، مشبه‌به خود را از میان آن‌ها انتخاب می‌کند. او در یکی از اشعارش، عشق را به پیش‌بند ظرف‌شویی همانند کرده است که آن را از کمر خود باز می‌کند: «پیش‌بند عشق تو را باز می‌کنم/ تا میان ظروف خانگی آشیانه کنم» (ارسطویی، ۱۳۸۴: ۱۷) *خاطره حجازی* هم مشبه‌به را از حوزه خیاطی و بافندگی برگزیده و خود را به نخ مانند کرده است: «و من که از دوریات نخ شده بودم/ می‌توانستم از روزن ماه بگذرم/ و پیراهن کهنه‌ات را بدوزم» (حجازی، ۱۳۷۱: ۱۴).

۴. سبک‌شناسی تشبیه

در یکی از خودارزیابی‌های درس سوم علوم و فنون ادبی (۲) خواسته شده است که در ادبیات مربوط به شاعران سبک عراقی در

خودارزیابی‌های همین درس، نوع تشبیه (گسترده یا فشرده) مشخص شود. همین اشاره اجمالی نشان‌دهنده توجه مؤلفان به اهمیت تشبیه در تغییرات سبکی است و هر کدام از معلمان می‌توانند با صلاح‌دید خود، با توجه به شرایط کلاشان به این موضوع بپردازند.

از علل عمده تغییرات سبک شعر و نثر فارسی، دگرگونی‌های سیاسی، جغرافیایی،

در کتاب علوم و فنون ادبی (۲) (۶۹۳۱: ۹۲) در ذیل توضیحات تشبیه آمده است که «هر تشبیه ریشه در نوع نگاه و تفکر گوینده دارد و آنچه موجب زیبایی تشبیه می‌شود، وجه شباهتی است که شاعر و نویسنده به آن دست یافته است. این اشاره بسیار ارزشمند و مغتنم است اما جای آن بود که با آوردن مثال‌هایی، این موضوع برای مخاطبان کاملاً روشن می‌شد که نوع نگاه و تفکر گوینده چگونه در تشبیه تأثیرگذار است

فرهنگی و اجتماعی است که تأثیر مستقیمی در نوع تفکر و اندیشه شاعران و نویسندگان دارد. «وقتی سبکی دچار دگرگونی شود، ساختارهای تشبیهی و استعارات از جمله نخستین محمل‌هایی است که این تحول را نشان می‌دهد» (رضایی جمرکرائی، ۱۳۸۴: ۸۸). پس، «در مطالعات عالی سبک‌شناسی دست‌یابی به نثر هر دوره فقط با مسائل آوایی و لغوی و نحوی نیست بلکه اهم

مطلب، پی بردن به نثرم زبان ادبی یعنی تشبیه و استعاره است» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۳۷۸). شاعران و نویسندگان صاحب سبک با چشم خویش می‌نگرند و با ذهن خلاق و تجربه‌های منحصربه‌فرد، تشبیهاتی بدیع و زیبا می‌آفرینند اما «شاعران مقلد از تشبیهات و استعارات ایشان استفاده می‌کنند و در واقع، از چشم ایشان می‌بینند و از زبان ایشان می‌گویند» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۳۷۸).

از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک خراسانی، واقع‌گرایی و برون‌گرایی است. همین ویژگی اقتضا می‌کند که اغلب تشبیهات این سبک از نوع تشبیه گسترده باشد. سبک خراسانی پر از تشبیهات مرکب زیبایی است که در آن‌ها شاعر با به‌کارگیری واژگان، تصاویر زیبایی برای مخاطبان خود ترسیم کرده است. در مقابل، مهم‌ترین ویژگی سبک عراقی، ذهنی‌گرایی یا توجه به دنیای درون است که به تشبیهات فشرده انجامیده است. فراوانی تشبیه در سبک عراقی در مقایسه با سبک خراسانی بسیار بالاست؛ چون تشبیه از لوازم متناسب با ذهنی‌گرایی است.

۵. تخیل هنری

در مقدمه درس تشبیه آمده است: «شاعران و نویسندگان به زبان نگاه زیباشناسانه دارند. آن‌ها معانی ذهنی خود را با استفاده از آرایش‌های لفظی و معنوی و عناصر علم بیان به اشکال گوناگون به دیگران منتقل می‌کنند و کلام ساده و عادی را به سخنی ادبی و هنری تبدیل می‌کنند» (۱۳۹۶: ۲۸). این عبارت بیانگر این مسئله است که هدف اول گویندگان در موارد بسیاری، رساندن پیام نیست بلکه انتقال مفاهیم مورد نظر خود به زیباترین شکل ممکن است، که در نهایت به التذاذ هنری می‌انجامد. در کتاب درسی برای تبیین ارتقای سخن عادی به سخن ادبی از طریق تشبیه و استعاره، مثال‌هایی ذکر شده است اما اگر مثالی آورده می‌شد که به ترتیب، مراحل تبدیل سخن عادی به هنری را نشان می‌داد درک آن برای دانش‌آموزان و تبیین آن برای معلمان راحت‌تر میسر

می‌شد. برای نمونه:

جمله عادی:

بعد از غروب ستارگان، خورشید طلوع می‌کند.

جملات تشبیهی:

الف) ستارگان که چون نرگس‌اند غروب می‌کنند و خورشید که همچون گل زرد است، طلوع می‌کند. (تشبیه گسترده)
ب) نرگس ستارگان غروب و گل زرد خورشید طلوع می‌کند. (تشبیه فشرده)

جملات استعاری:

الف) ستارگان در کمین‌گاه خود مخفی می‌شوند و خورشید از مخفیگاه خویش بیرون می‌آید. (استعاره مکنیه/ تشخیصی)
ب) بعد از غروب نرگس‌ها گل زردی طلوع می‌کند. (استعاره مصرحه)

شاعر برای سرودن بیت زیر، همه این مراحل را در ذهن خود طی کرده است: هزاران نرگس از چرخ جهانگرد فرو شد، تا برآمد یک گل زرد (نظامی، ۱۳۷۷: ۷۷)

۶. رعایت شرایط تشبیه

در درس تشبیه علوم و فنون ادبی (۲) (۱۳۹۶: ۳۰) برای تبیین «وجه شبه»، مصراع «گرت ز دست برآید چو نخل باش، کریم» آمده است که «کریم» به‌عنوان وجه شبه مشخص شده است. حال سؤال این است: آیا در جملات غیرخبری، مثل جملات امری و پرسشی، به صرف آمدن ارکان تشبیه می‌توانیم ادعا کنیم که تشبیه وجود دارد؟ آیا با تشبیه فرض کردن چنین جملاتی، هدف از آوردن تشبیه محقق می‌شود و آیا این تشبیه‌ها ارزش زیبایی‌شناسانه دارند؟

تشبیه ادعای شباهت بین دو چیز است که در جملات خبری قابل تصور است؛ در حالی که در مصراع بالا هیچ‌گونه ادعایی شکل نگرفته است. مصراع فوق تنها در ظاهر، ارکان تشبیه را با خود دارد و تشبیه هنوز محقق نشده است. در نتیجه، در این مصراع ذهن مخاطب درگیر رابطه تشبیهی نمی‌شود تا برای او زیبایی و جذابیت داشته باشد. هدف از تشبیه «بیان حال مشبه و تقریر آن در ذهن مستمع است؛ یعنی

روشن و مجسم ساختن وضعیت و موقعیت مشبه» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۲۲). در مثال فوق، مشبه کریم و بخشنده نیست تا با تشبیه آن به نخل، وضعیت و موقعیت او در ذهن مخاطب روشن شود. پس با تشبیه فرض کردن مصراع بالا، غرض از آوردن تشبیه تحقق نمی‌یابد. انتخاب چنین مثالی^۱ برای توضیح «وجه شبه» با وجود امکان انتخاب مثال‌های دیگر جای تعجب دارد.

در خودارزیابی ششم درس تشبیه علوم و فنون ادبی (۲) (۱۳۹۶: ۳۵) بیت زیر

شایسته است بعد از
معرفی تشبیه گسترده،
برای هر کدام از انواع
آن (چهار رکنی، سه
رکنی با ادات، و سه
رکنی با وجه شبه)
مثال‌هایی آورده شود.
این در حالی است که
برای حذف وجه شبه
مثالی نیامده است و
برای تشبیه چهار رکنی
دو مثال آمده است

از مشفق کاشانی آمده و از دانش‌آموزان خواسته شده است که پایه‌های تشبیه را پیدا کنند:

حریر باورم از شعله ندامت سوخت
که بر کویر عطشناک نیستم چون ابر
بسیاری از کتب کمک‌آموزشی و به تبع آن‌ها اغلب معلمان ادبیات فارسی، مصراع دوم بیت مذکور را تشبیه گرفته‌اند؛ در حالی که «تشبیه مربوط به جملات ایجابی است نه سلبی»^۲ (شمیسا، ۱۳۷۶: ۶۶). پس، تشبیهات مورد نظر خودارزیابی در مصراع اول قرار دارد که «حریر باور» و «شعله ندامت» از نوع تشبیه فشرده (بلیغ)

هستند و در مصراع دوم هیچ‌گونه تشبیهی وجود ندارد. شایسته و ضروری است که توضیحی در پاورقی کتاب افزوده شود یا این بیت از خودارزیابی حذف گردد.

۷. نکات

- در کتاب علوم و فنون ادبی (۱) مباحث بدیع لفظی مطرح شده، و برخلاف انتظار اغلب مخاطبان، در کتاب علوم و فنون ادبی (۲) مباحث علم بیان آمده است. این چینش، بسیار هوشمندانه و واقع‌بینانه صورت گرفته است. زیربنای برخی از مباحث بدیع معنوی، آرایه‌های علم بیان است. پس، شایسته است که علم بیان قبل از بدیع معنوی مطرح و تبیین شود.

- چینش آرایه‌های علم بیان هم در کتاب علوم و فنون ادبی (۲) نسبت به کتاب آرایه‌های ادبی تغییر یافته است. این تغییر ضروری و لازم بود؛ چون تبیین استعاره از یک طرف به تشبیه و از طرف دیگر به مجاز وابسته است. پس، طبیعی است که استعاره بعد از تشبیه و مجاز مطرح شود.

- در توضیح ارکان تشبیه شایسته است به نقش زیاد و اهمیت مشبه‌به و وجه شبه در بین ارکان تشبیه اشاره شود. زیبایی تشبیه در مشبه‌بھی است که انتخاب می‌شود. نو بودن این مشبه‌به به نوآوری در تشبیه می‌انجامد و برعکس، تکراری و تقلیدی بودن آن، تشبیه را مبتذل و عامیانه می‌سازد. مرگ و زندگی تشبیه هم به وجه شبه بستگی دارد. «مرگ تشبیه زمانی فرا می‌رسد که مانروی [وجه شبه] ارزش زیباشناختی نداشته باشد؛ دیگر تشبیه چنان ترفندی شاعرانه به کار نیاید» (کزازی، ۱۳۶۸: ۶۰).

- تقسیم تشبیه به گسترده و فشرده بسیار خوب است. تشبیه گسترده همه انواع گروه خود را پوشش می‌دهد و دیگر مثل گذشته نیازی به ذکر تشبیه مفرد، مقید و مرکب نیست.

- در توضیح تشبیه فشرده آمده است: «به این تشبیه، تشبیه رسا (بلیغ) نیز می‌گویند» (۱۳۹۶: ۳۱). بهتر است کلمه «رسا» حذف و به ذکر «بلیغ» اکتفا شود. در کتب بلاغت، به این نوع تشبیه «بلیغ»

گفته‌اند نه «رسا»، آوردن «رسا» و ذکر «بلیغ» در داخل کمانک جای تعجب دارد.

- در تبیین تشبیه فشرده گفته شده است: «این تشبیه کلام را ادبی‌تر و زیباتر می‌کند» (۱۳۹۶: ۳۱). هر چند در تشبیه فشرده، ادعای شباهت به اوج خود می‌رسد و مبالغه بیشتری در کلام وجود دارد اما اگر زیبایی تشبیهات مرکب از این نوع تشبیه بیشتر نباشد، کمتر هم نخواهد بود.

- در برخی موارد - نه تنها در تشبیه بلکه در سایر آرایه‌های بیان هم - تعداد مثال‌ها زیاد است و نیازی به آوردن این همه مثال برای تبیین آن نیست. مثلاً برای تشبیه فشرده اضافی شش مثال آمده است؛ در حالی که دانش‌آموزان از پایه‌های پایین‌تر با این نوع تشبیه آشنا شده‌اند و در کتب فارسی هم نمونه‌های فراوانی از آن را می‌بینند.

- شایسته است بعد از معرفی تشبیه گسترده، برای هر کدام از انواع آن (چهار رکنی، سه رکنی با ادات، و سه رکنی با وجه شبه) مثال‌هایی آورده شود. این در حالی است که برای حذف وجه شبه مثالی نیامده است و برای تشبیه چهار رکنی دو مثال آمده است. - در مثال‌هایی که برای تشبیه فشرده ذکر شده، برای تشبیه فشرده غیر ترکیبی یک مثال و برای تشبیه فشرده اضافی شش مثال آمده است. در خودارزیابی برای تشبیه فشرده غیر ترکیبی نمونه‌ای ذکر نشده است. بهتر است برای تشبیه فشرده غیر ترکیبی (اسنادی) هم چندین مثال ذکر شود؛ چون تشخیص آن دشوارتر از تشبیه فشرده اضافی است.

- از آنجا که در این فصل، تاریخ ادبیات قرن‌های هفتم، هشتم و نهم آمده است، مؤلفان با علم به این مسئله اغلب مثال‌های کلاسیک تشبیه را از شاعران این دوره انتخاب کرده‌اند.

- مؤلفان محترم در تبیین آرایه‌های علم بیان به ادبیات معاصر توجه ویژه‌ای داشته‌اند که شایسته قدردانی است. نمونه‌های انتخاب شده از ادبیات معاصر هم بسیار زیبا و جذاب است و در جلب توجه دانش‌آموزان به مطالعه آثار معاصران نقش مؤثری دارد.

- در خودارزیابی نهم درس تشبیه، بیت «چو در یای خون شد همه دشت و راغ/ جهان چون شب و تیغ‌ها چون چراغ» از دانش‌آموزان خواسته شده است که پایه‌های آوایی را مشخص کنند. انتخاب چنین مثال‌هایی که از یک طرف، برای مرور مطالب درس قبل مفید است و از طرف دیگر، آرایه تشبیه مطرح شده در همین درس را هم دارد، هوشمندانه و ارزشمند است.



نتیجه‌گیری

کتاب علوم و فنون ادبی (۱) و (۲) که براساس رویکرد مهارت‌محور نوشته شده، در مقایسه با کتاب‌های آرایه‌های ادبی، تاریخ ادبیات (۱) و (۲) و ادبیات تخصصی نظام آموزشی قبلی برای آموزش و تفهیم مسائل ادبی بهتر است. در نظام آموزشی قبلی هر کدام از کتب مذکور، چون جزیره‌های مجزا از هم بودند و هیچ پیوندی میان آن‌ها نبود اما در کتاب علوم و فنون ادبی (۱) و (۲) این مباحث با یکدیگر پیوند خورده و نظم و انسجام بهتری گرفته‌اند. بررسی و نقد مبحث «تشبیه» از کتاب علوم و فنون ادبی (۲) به خوبی نشان می‌دهد که شیوه طرح مباحث این کتاب در مقایسه با گذشته، بهبود و ارتقا یافته است. امید است معایب اندک آن هم - که در مباحث کتاب آرایه‌های ادبی هم وجود داشت - در آینده نزدیک برطرف شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مصراع در کتاب آرایه‌های ادبی سوم انسانی هم در خودآزمایی‌ها آمده است.
۲. البته در «تشبیه تفضیل» قضیه فرق می‌کند؛ چون به صورت ایجابی تأویل می‌شود. برای نمونه، در بیت زیر از حافظ: «روشنی طلعت تو ماه ندارد / پیش تو گل، رونق گیاه ندارد» هدف شاعر تفضیل مشبه مشبه‌به بوده است؛ یعنی ابتدا طلعت معشوق را به ماه تشبیه کرده اما بعد از تشبیه خود عدول کرده است و ادعا می‌کند که طلعت معشوق از ماه هم زیباتر است.

منابع

۱. احمدنژاد، کامل. (۱۳۷۲). فنون ادبی. تهران: پایا.
۲. ارسطویی، شیوا. (۱۳۸۴). گم‌گشته. تهران: قطره.
۳. پورنامداریان، تقی. (۱۳۷۴). سفر در مه (تأملی در شعر احمد شاملو). تهران: زمستان.
۴. تجلیل، جلیل. (۱۳۸۵). معانی و بیان. ج ۳. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۵. حجازی، خاطره. (۱۳۷۱). مکاشفه حوا. تهران: روشنگران.
۶. رضایی جمکرانی، احمد. (۱۳۸۴). نقش تشبیه در دگرگونی‌های سبکی. دو فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی. دوره جدید. شماره پنجم. صص ۸۵ - ۱۰۰.
۷. سعدی، مصلح‌الدین عبدالله. (۱۳۸۸). کلیات سعدی. به کوشش محمدعلی فروغی. چاپ دهم. تهران: ققنوس.
۸. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). سبک‌شناسی شعر. چاپ نهم. تهران: فردوس.
۹. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۲). سبک‌شناسی شعر. چاپ پانزدهم. تهران: فردوس.
۱۰. کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۶۸). بیان، زیبایی‌شناسی سخن پارسی. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
۱۱. نظامی، الیاس‌بن یوسف. (۱۳۷۷). خمسه نظامی. تصحیح وحید دستگردی. تهران: علمی.